

توسعه فردی و تحول سازمانی

طراحی مدل پیاده‌سازی خط‌مشی‌های سیاست اقتصاد مقاومتی در قوه قضاییه

محمدرضا شهرباری^۱، علیرضا روستا^{۲*}، سراج الدین محبی^۳

شیوه استناددهی: شهرباری، محمدرضا، روستا، علیرضا، و

محبی، سراج‌الدین. (۱۴۰۴). طراحی مدل پیاده‌سازی

خط‌مشی‌های سیاست اقتصاد مقاومتی در قوه قضاییه. توسعه

فردی و تحول سازمانی، ۳(۴)، ۱۶-۱.

۱. گروه مدیریت دولتی، واحد بین المللی کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، کیش، ایران

۲. گروه مدیریت بازرگانی، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، شهر قدس، ایران

۳. گروه مدیریت بازرگانی، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: alirezarousta@iau.ac.ir

چکیده

تاریخ چاپ نهایی: ۱۰ دی ۱۴۰۴

تاریخ چاپ اولیه: ۱۳ مهر ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۱ شهریور ۱۴۰۴

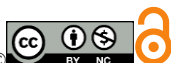
تاریخ بازنگری: ۲ شهریور ۱۴۰۴

تاریخ ارسال: ۳۰ خرداد ۱۴۰۴

در شرایط پیچیده کنونی که اقتصاد کشور با چالش‌های ناشی از تحریم‌ها و نوسانات بین‌المللی مواجه است، قوه قضاییه به عنوان نهاد حاکمیتی کلیدی می‌تواند با اتخاذ خط‌مشی‌های کارآمد، نقش تعیین‌کننده‌ای در تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی ایفا نماید. لذا، پژوهش حاضر با هدف ارائه و اعتبار سنجی مدل پیاده‌سازی خط‌مشی‌های سیاست اقتصاد مقاومتی در قوه قضاییه انجام شده است. روش پژوهش برحسب نوع داده، کمی از نوع ماهیت اکتشافی و از نظر هدف کاربردی است. مشارکت کنندگان خبرگان تعداد ۱۴ شامل اساتید و خبرگان خط مشی گذاری در سیاست اقتصاد مقاومتی در قوه قضاییه هستند. که به روش نمونه‌گیری غیراحتمالی هدفمند انتخاب شدند. پایایی کیفی آن از طریق پایایی بازآزمون سنجیده شد. روش تجزیه و تحلیل در چند مرحله متوالی انجام شده است. در مرحله اول جهت شناسایی مولفه‌های الگو، از روش کیفی و مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته از تحلیل مضمون و از نرم‌افزار مکس کیودا ۲۰۲۰ استفاده شده است. نهایت، یافته‌های بخش کیفی ۱۰ مضمون سازمان دهنده، حکمرانی، فرآیند طراحی و اجرا، پایداری، پویایی و انعطاف پذیری اقتصادی، اقتصاد دانش بنیان، توانمند سازی، همکاری و مشارکت، موانع، برون گرا بودن هوشمندانه، درون زا بودن اقتصاد شناسایی شد. یافته‌ها حاکی از آن است که مدل پیشنهادی می‌تواند کارایی قوه قضاییه را در شرایط تحریمی به طور معناداری افزایش دهد. در نهایت، این مطالعه الگویی بومی ارائه می‌دهد که قابلیت تعمیم به سایر نهادهای حاکمیتی برای تقویت اقتصاد مقاومتی را داراست.

کلیدواژگان: خط مشی، سیاست اقتصاد مقاومتی، قوه قضاییه، حکمرانی، تحلیل مضمون

این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت
دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0)
صورت گرفته است.



Personal Development and Organizational Transformation

Designing a Model for Implementing the Policies of Resistance Economy in the Judiciary

Mohamadreza Shahreyari¹, Alireza Roustaa^{2*}, Serajeddin Mohebbi³

1. Department of Public Administration, Ki.C., Islamic Azad University, Kish, Iran
2. Department of Business Management, ShQ.C., Islamic Azad University, Shahr-e Qods, Iran
3. Department of Business Administration, Qe.C., Islamic Azad University, Qeshm, Iran

*Corresponding Author's Email: alirezarousta@iau.ac.ir

How to cite: Shahreyari, M., Rosta, A., & Mohebbi, S. (2025). Designing a Model for Implementing the Policies of Resistance Economy in the Judiciary. *Personal Development and Organizational Transformation*, 3(4), 1-16.

Submit Date: 20 June 2025

Revise Date: 24 August 2025

Accept Date: 02 September 2025

Initial Publish: 05 October 2025

Final Publish: 31 December 2025



© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Abstract

In the current complex conditions, where the national economy faces challenges arising from sanctions and international fluctuations, the judiciary, as a key governance institution, can play a decisive role in realizing the objectives of the resistance economy by adopting effective policies. Therefore, the present study was conducted with the aim of presenting and validating a model for implementing the policies of the resistance economy in the judiciary. The research method, in terms of data type, is quantitative with an exploratory nature, and in terms of purpose, it is applied research. The participants consisted of 14 experts, including professors and specialists in policymaking for the resistance economy within the judiciary, who were selected using purposive non-probability sampling. The qualitative reliability of the study was assessed using the test-retest method. The analysis method was carried out in several successive stages. In the first stage, in order to identify the components of the model, a qualitative method and semi-structured interviews were conducted, analyzed through thematic analysis using MAXQDA 2020 software. Ultimately, the findings of the qualitative section identified ten organizing themes: governance, design and implementation processes, sustainability, economic dynamism and flexibility, knowledge-based economy, empowerment, cooperation and participation, barriers, intelligent outward orientation, and endogenous economy. The findings indicate that the proposed model can significantly enhance the judiciary's efficiency under sanction conditions. Finally, this study presents a localized model that can be generalized to other governance institutions for strengthening the resistance economy.

Keywords: Policy, Resistance Economy, Judiciary, Governance, Thematic Analysis

مقدمه

اقتصاد مقاومتی در ادبیات حکمرانی نوین به عنوان یکی از رویکردهای بنیادین برای تاب‌آورسازی ساختارهای اقتصادی در برابر فشارهای بیرونی و ناکارآمدی‌های درونی شناخته می‌شود. این مفهوم که در پیوند با راهبردهای توسعه پایدار و استقلال اقتصادی مطرح شده است، نه تنها یک الگوی اقتصادی بلکه یک چارچوب حکمرانی جامع محسوب می‌شود که هدف آن مقاوم‌سازی نهادها و فرآیندها در برابر بحران‌ها، تحریم‌ها و نوسانات بین‌المللی است (Ehsan, 2022). در چنین بستری، قوه قضاییه به عنوان نهادی حاکمیتی با نقش نظارتی و حمایتی ویژه، می‌تواند از طریق پیاده‌سازی خط‌مشی‌های منسجم و کارآمد، سهم بسزایی در تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی ایفا کند (Jarfi & Mousavi Amjad, 2020).

بررسی نظریه‌ها و تجارب جهانی نشان می‌دهد که کارآمدی سیاست‌های مقاومت اقتصادی، نیازمند هم‌افزایی میان قوا و نهادهای حاکمیتی و نیز اتکای جدی بر شفافیت، پاسخگویی و عدالت‌محوری است (Kochel & Skogan, 2021). در واقع، شفافیت در فرآیندهای اقتصادی و قضایی می‌تواند اعتماد عمومی را تقویت کند و فساد ساختاری را کاهش دهد، همان‌گونه که مطالعات بین‌المللی بر اهمیت پاسخگویی به عنوان ابزار مشروعیت‌بخش به نهادهای قضایی و اجرایی تأکید دارند (Rubasundram & Rasiah, 2019). این مسئله به‌ویژه در شرایط تحریم که منابع کشور محدودتر و فسادهای اقتصادی تشدید می‌شوند، اهمیت بیشتری می‌یابد.

از سوی دیگر، تحقق اقتصاد مقاومتی نیازمند فرآیند طراحی و اجرای منظم و پویاست. هدف‌گذاری روشن، برنامه‌ریزی عملیاتی، بازنگری مستمر و نظارت مؤثر، مؤلفه‌هایی هستند که می‌توانند مانع انحراف سیاست‌ها از اهداف کلان شوند (Buchwald, 2025; Kotter, 2024). تجربه‌های بین‌المللی نیز نشان داده‌اند که سیاست‌های کلان بدون سازوکارهای بازبینی و ارزیابی مداوم، در برابر تغییرات محیطی کارایی خود را از دست می‌دهند. بنابراین، طراحی مدلی بومی برای قوه قضاییه که بتواند چرخه کامل سیاست‌گذاری تا نظارت را پوشش دهد، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

یکی دیگر از ابعاد کلیدی، پایداری است که در سه بعد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی معنا می‌یابد. پایداری اقتصادی از طریق کاهش هزینه‌ها و توزیع عادلانه منابع، پایداری اجتماعی از رهگذر افزایش اعتماد عمومی و عدالت ترمیمی، و پایداری زیست‌محیطی از راه توجه به ملاحظات محیطی در تصمیمات قضایی، می‌تواند به استمرار و اثربخشی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی یاری رساند (Dovers et al., 2024; Li et al., 2021). قوه قضاییه در این چارچوب نه تنها ناظر و داور دعاوی اقتصادی است بلکه می‌تواند به نهاد پیشرو در حمایت از اهداف توسعه پایدار تبدیل شود.

پویایی و انعطاف‌پذیری اقتصادی نیز از الزامات سیاست‌گذاری مقاومتی است. در شرایطی که تحولات جهانی و فشارهای اقتصادی به سرعت رخ می‌دهند، ساختارهای قضایی باید از چابکی و انعطاف لازم برخوردار باشند تا بتوانند متناسب با شرایط، واکنش نشان دهند (Lv & Cho, 2024; Silva et al., 2025). برای مثال، کاهش بوروکراسی در رسیدگی به پرونده‌های اقتصادی و ایجاد دادگاه‌های تخصصی برای حمایت از بخش‌های نوپهور مانند فناوری اطلاعات و صنایع دانش‌بنیان، می‌تواند نمونه‌ای از این انعطاف‌پذیری باشد.

در همین راستا، اقتصاد دانش‌بنیان جایگاه ویژه‌ای در تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی دارد. توسعه علم و فناوری، دیجیتالی‌سازی فرآیندهای قضایی و حمایت از نوآوری و کارآفرینی، قوه قضاییه را قادر می‌سازد تا با ارتقای کارآمدی خود، پشتیبان بخش‌های نوآور اقتصاد ملی باشد.

(Quaranta, 2023; Sánchez Ramírez et al., 2022). در این مسیر، همکاری با دانشگاه‌ها، مراکز پژوهشی و بخش خصوصی برای ایجاد بسترهای حقوقی مناسب جهت نوآوری، ضرورتی انکارناپذیر است.

توانمندسازی منابع انسانی و توسعه زیرساخت‌های فناورانه نیز از پیش‌شرط‌های اصلی اجرای موفق اقتصاد مقاومتی در قوه قضاییه به شمار می‌آید. آموزش‌های تخصصی برای قضات و کارکنان در حوزه‌های مرتبط با اقتصاد مقاومتی، و تجهیز دادگاه‌ها به سامانه‌های هوشمند مدیریت پرونده‌ها، می‌تواند کیفیت و سرعت رسیدگی را ارتقا دهد (Osewe & Gindicha, 2021; Tew, 2024). چنین اقداماتی، علاوه بر افزایش رضایت شغلی کارکنان، اعتماد عمومی به دستگاه قضایی را نیز تقویت خواهد کرد.

در کنار این ابعاد، همکاری و مشارکت بین قوا و نهادهای اجتماعی نیز اهمیت بالایی دارد. قوه قضاییه با تعامل مؤثر با قوای مجریه و مقننه، مشارکت بخش خصوصی و جلب همکاری‌های مردمی می‌تواند از یک ساختار جزیره‌ای فاصله گرفته و در قالب حکمرانی شبکه‌ای عمل کند (Mo, 2022; Morgado et al., 2018). این هم‌افزایی می‌تواند هم مانع تداخل سیاست‌ها شود و هم اجرای مؤثرتر اقتصاد مقاومتی را تضمین نماید.

البته تحقق این اهداف با موانعی نیز روبه‌رو است. موانع ساختاری و مدیریتی مانند بوروکراسی پیچیده، موانع حقوقی مانند قوانین قدیمی و ناکارآمد، و موانع فرهنگی نظیر مقاومت در برابر تغییر، از مهم‌ترین چالش‌ها محسوب می‌شوند (Njugi, 2019; Schulzke & Carroll, 2018). رفع این موانع مستلزم بازنگری در ساختارها، اصلاح قوانین و تغییر فرهنگ سازمانی است.

از سوی دیگر، برون‌گرایی هوشمندانه و دیپلماسی قضایی، فرصت‌هایی برای تعامل سازنده با جهان و بهره‌گیری از ظرفیت‌های بین‌المللی فراهم می‌آورد. تحولات جهانی و ضرورت‌های همکاری حقوقی بین‌المللی، قوه قضاییه را ناگزیر ساخته است تا در حوزه‌هایی مانند مبارزه با جرایم سازمان‌یافته، پول‌شویی و جرایم سایبری، به دیپلماسی قضایی توجه ویژه‌ای داشته باشد (Elokaby, 2024; Squatrito, 2021). در نهایت، تأکید بر درون‌زایی اقتصاد و اتکا به منابع داخلی، از اصول بنیادین اقتصاد مقاومتی است. قوه قضاییه می‌تواند با توسعه نرم‌افزارهای بومی مدیریت پرونده‌ها، حمایت از تولید داخلی و بومی‌سازی فناوری‌های نوین، به خودکفایی و استقلال پایدار کشور کمک کند (Radhanpurwala et al., 2023; Rostovschikov et al., 2019). چنین رویکردی، علاوه بر کاهش هزینه‌ها، امنیت اطلاعاتی و اقتصادی کشور را نیز افزایش می‌دهد.

با وجود پژوهش‌های متعدد در حوزه خط‌مشی‌گذاری عمومی (Eslami et al., 2025; Zandi Khavari et al., 2025)، خلأ مطالعات جامع در خصوص طراحی مدل ویژه قوه قضاییه همچنان محسوس است. درواقع، بیشتر تحقیقات گذشته به حوزه‌هایی چون ورزش یا سازمان‌های اجرایی پرداخته‌اند و ارتباط مستقیم سیاست‌های قضایی با اقتصاد مقاومتی را نادیده گرفته‌اند. همچنین، برخی پژوهش‌ها به‌طور کلی به خط‌مشی‌های قضایی پرداخته‌اند بی‌آنکه الگوی عملیاتی برای پیوند آن با اقتصاد مقاومتی ارائه دهند (Kishvarian Azad, 2022). همین امر ضرورت پژوهش حاضر را برجسته می‌سازد که هدف آن طراحی و اعتبارسنجی مدل پیاده‌سازی خط‌مشی‌های سیاست اقتصاد مقاومتی در قوه قضاییه است.

بنابراین، پرسش اصلی این پژوهش چنین است: چگونه می‌توان مدلی نظری و بومی برای پیاده‌سازی خط‌مشی‌های اقتصاد مقاومتی در قوه قضاییه طراحی کرد؟

روش‌شناسی

روش پژوهش در این مطالعه بر اساس رویکرد کیفی و با هدف طراحی مدل پیشنهادی برای پیاده‌سازی خط‌مشی‌های سیاست اقتصاد مقاومتی در قوه قضاییه تدوین شده است. انتخاب این رویکرد به دلیل تاکید بر تحلیل عمیق دیدگاه‌های کارشناسان و متخصصان مرتبط در حوزه‌های قضایی و اقتصادی، و نیاز به فهم مفهومی و غنی از مبانی نظری و تجربی است. در فرآیند پژوهش، تحلیل مضمون به عنوان روش اصلی تحلیل داده‌ها به کار گرفته شده است که مبتنی بر جمع‌آوری نظام‌مند داده‌ها و توسعه نظریه استقرایی است. این روش، در عین فقدان قابلیت تعمیم آماری، از اهمیت و اعتبار قابل توجه در تولید مفاهیم و مدل‌های کاربردی برخوردار است.

در فاز اولیه، با همکاری تیم راهنمایی و بهره‌گیری از ادبیات تحقیق، مبانی نظری، پیشینه پژوهش و مستندات مرتبط، مفهوم اولیه مدل طراحی گردید. سپس، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با خبرگان آشنا با سیاست‌گذاری و اقتصاد مقاومتی، شامل اساتید دانشگاه، قضات با تجربه، و مدیران ارشد قوه قضاییه در استان تهران انجام شد. نمونه‌گیری به صورت هدفمند و بر اساس معیارهای تخصص و تجربه صورت گرفت، و در نهایت تعداد ۱۴ مشارکت‌کننده در فرآیند مصاحبه حضور یافتند تا به نقطه اشباع نظری برسند.

برای تضمین روایی و اعتبار نتایج، از روش‌های چندگانه و فرآیندهای اعتبارسنجی بهره گرفته شد. مرحله نخست، تایید موضوع پژوهش و طراحی پروتکل مصاحبه توسط چند تن از اساتید و خبرگان صورت گرفت، به گونه‌ای که بیش از ۹۰٪ سؤالات مورد تایید قرار گرفتند. همچنین، روایی ابزار جمع‌آوری داده‌ها با ارزیابی و تأیید پروتکل توسط متخصصان مجرب تضمین شد. در حوزه پایایی، پس از انجام مصاحبه‌ها، کدگذاری اولیه داده‌ها انجام و با روش بازآزمون و فاصله زمانی مشخص، پایداری کدگذاری‌ها بررسی گردید؛ به طوری که میزان توافق بین کدگذاران بالاتر از ۶۰٪ بود که نشان‌دهنده استحکام و قابلیت اعتماد قابل قبول این فرآیند است. در نهایت، یافته‌های کدگذاری و تحلیل نهایی در اختیار مشارکت‌کنندگان قرار گرفت و تایید نهایی آنان کسب شد، که این رویکرد چندبعدی، صحت علمی و قابلیت اعتبار نتایج پژوهش را تضمین کرد. نتایج حاصل از این کدگذاری‌ها در جدول ۱ آورده شده است:

جدول ۱. محاسبه پایایی بازآزمون (شاخص ثابت)

ردیف	عنوان مصاحبه	کد تعداد کل مصاحبه‌ها	تعداد توافقات	تعداد عدم توافقات	پایایی باز آزمون
۱	P۳	۷۶	۳۵	۴۱	۹۳٪
۲	P۴	۸۴	۳۸	۴۴	۹۰٪
		۱۶۰	۷۳	۸۵	۹۱٪

همانطور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود تعداد کل کدها در دو فاصله زمانی ۱۰ روزه برابر ۱۶۰، تعداد کل توافقات بین کدها در این دو زمان برابر ۷۶ تعداد کل عدم توافقات در این دو زمان برابر ۸۴ است. پایایی بازآزمون مصاحبه‌های انجام گرفته در این تحقیق با استفاده از فرمول ذکر شده، برابر ۹۱ درصد است. با توجه به اینکه این میزان پایایی بیشتر از ۶۰ درصد است، قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها مورد تأیید است.

یافته‌ها

برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضمون استفاده شد که فرآیند تحلیل مضمون در قالب یک چارچوب سه‌مرحله‌ای سازماندهی شده است:

(۱) تجزیه و توصیف متن، (۲) تشریح و تفسیر متن، و (۳) ادغام و یکپارچه‌سازی مجدد متن.

این فرآیند تحلیلی ماهیتاً غیرخطی و تکرارشونده است، به این معنا که پژوهشگر به صورت رفت و برگشتی بین مراحل مختلف و کل مجموعه داده‌ها حرکت می‌کند. نوشتن به عنوان جزء لاینفک این فرآیند، از اولین گام‌های تحلیل آغاز شده و تا مرحله نهایی تدوین گزارش ادامه

می‌یابد. نکته حائز اهمیت آن است که تحلیل مضمون بر اساس اصول راهنما (و نه قواعد انعطاف‌ناپذیر) انجام می‌شود، این ویژگی به پژوهشگر اجازه می‌دهد روش را با ماهیت سوالات تحقیق و ویژگی‌های داده‌ها سازگار نماید. محقق با دسته‌بندی کدهای اولیه در قالب مقوله‌های بالقوه، به تحلیل و یکپارچه‌سازی داده‌ها پرداخته و تمام داده‌های کدگذاری شده در چارچوب مقوله‌های مشخص شده سازماندهی می‌شوند، و از طریق غربالگری کدهای تکراری، ادغام کدهای هم‌معنی، و ترکیب کدهای مرتبط، مقوله‌های کلی‌تر شکل می‌گیرند. این فرآیند منجر به مقوله‌بندی شاخص‌های استخراج شده از متون مصاحبه‌ها می‌شود.

جدول ۲. نمونه کدهای استخراج شده از شواهد گفتاری

ردیف	نمونه پاسخ مصاحبه (شواهد گفتاری)	کدها
۱	از نظر اینجانب، ر دادسرای ما اخیراً سامانه جامع الکترونیکی راه‌اندازی شده که تمامی پرونده‌های اقتصادی و مالی در آن ثبت و ردیابی می‌شود. این سامانه امکان دسترسی شفاف به وضعیت پرونده‌ها را برای تمامی مسئولین و حتی شورای نظارت فراهم کرده است.	استفاده از سیستم‌های گزارش‌دهی شفاف
۲	ما الان در مرحله تدوین دستورالعمل‌هایی هستیم که نحوه رسیدگی به پرونده‌های اقتصادی را به‌طور کامل مشخص کند. این شامل نحوه اعلام دارایی متهمان، نحوه ارجاع به کارشناسان، و شیوه تصمیم‌گیری درباره ضمانت‌های مالی است.	شفاف‌سازی فرآیندهای اقتصادی
۳	در حال تدوین یک برنامه پنج‌ساله برای تقویت ظرفیت قوه قضاییه در مقابله با تخلفات اقتصادی در شرایط تحریم و نوسانات ارزی هستیم. این برنامه بر اساس سناریوهای مختلف اقتصادی آینده تنظیم شده است.	تدوین برنامه‌های بلندمدت بر اساس پیش‌بینی‌های آینده

در نهایت، جدول ۳ ارائه شده در این قسمت به ترتیب نشان‌دهنده واحدهای معنایی مستقل، مقوله‌های اصلی و زیرمقوله‌های شناسایی شده در پژوهش هستند که تصویری جامع و ساختارمند از یافته‌های پژوهش را به مخاطب انتقال می‌دهند.

جدول ۳. نتایج تحلیل مضامین

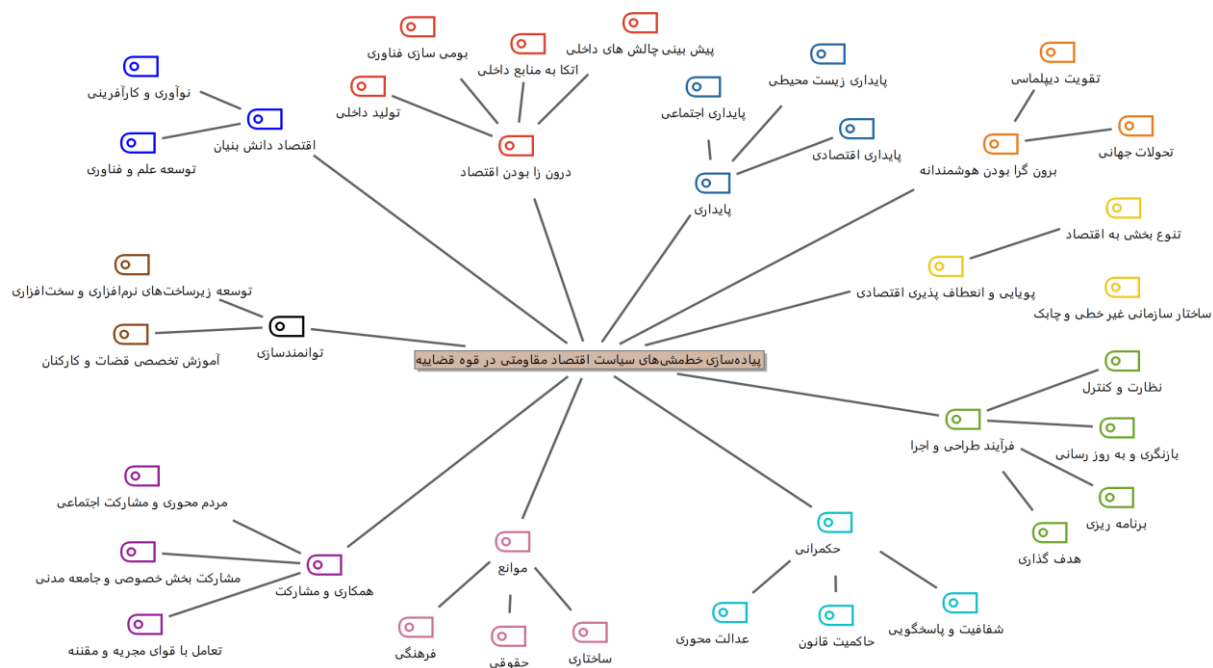
ردیف	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه	کد باز
۱	حکمرانی	شفافیت و پاسخگویی	- استفاده از سیستم‌های گزارش‌دهی شفاف - شفاف‌سازی فرآیندهای اقتصادی - جلب اعتماد عمومی - دسترسی رایگان و بدون محدودیت به اسناد عمومی - اجرای صحیح قانون و نظارت مؤثر - اجرای قانون به صورت پیشگیرانه و واکنشی - اجرای قوانین به صورت غیرانتقادی و بدون تبعیض - مدیریت و پیگیری فرآیندهای قانونی - مبارزه با رانت و فساد سیستمی - افزایش عدالت مالیاتی - توزیع عادلانه منابع - حمایت از حقوق گروه‌های آسیب‌پذیر (زن، کودک، جانباز، نابینا)
۲	فرآیند طراحی و اجرا	هدف گذاری	- دقت در تعریف اهداف سیاست اقتصاد مقاومتی - روشنی اهداف - انطباق اهداف با سیاست‌های اقتصاد مقاومتی - الویت بندی اهداف کلان و عملیاتی - وجود برنامه‌های عملیاتی قابل اندازه گیری - تدوین برنامه‌های بلندمدت بر اساس پیش‌بینی‌های آینده - پیش بینی ریسک‌ها و عدم قطعیت ها
		برنامه ریزی	

توسعه فردی و تحول سازمانی

			بازنگری و به روز رسانی	- به روز رسانی خط و مشی ها - داشتن فرآیند بازنگری منظم - وجود واحد دائمی بازنگری - ثبت تغییرات
			نظارت و کنترل	- وجود سیستم های نظارت الکترونیکی - بازخورد مستمر از اجرای سیاست ها - بررسی میزان اثربخشی اقدامات اصلاحی ناشی از یافته های نظارتی - تعیین شاخص های کنترل کیفی و کمی
۳	پایداری	پایداری اقتصادی		- کاهش هزینه ها - کاهش شکاف طبقاتی - اشتغال زایی - توانمندسازی اقشار کم درآمد
			پایداری اجتماعی	- کاهش اسراف، به ویژه در منابع انرژی و غذایی - فرهنگ سازی برای مصرف مسئولانه و ارتقای بهره وری - بیمه های حمایتی - توسعه زیرساخت های اجتماعی
			پایداری زیست محیطی	- استفاده بهینه از منابع طبیعی - توسعه پایدار کشاورزی و انرژی های تجدیدپذیر
۴	پویایی و انعطاف پذیری اقتصادی	ساختار سازمانی غیر خطی و چابک		- توانایی واکنش سریع به تغییرات - استفاده از تیم های متخصص و مقطعی - کاهش بوروکراسی و تصمیم گیری سریع - کاهش وابستگی به نفت - گسترش صنایع جایگزین مثل گردشگری، کشاورزی، پتروشیمی و خدمات فنی-مهندسی
			تنوع بخشی به اقتصاد	- استقرار اقتصاد مقاومتی در مناطق مختلف کشور - توسعه اقتصاد دیجیتال و اینترنتی - اصلاح ساختارهای اقتصادی موجود
۵	اقتصاد دانش بنیان	توسعه علم و فناوری		- الکترونیکی شدن فرآیندها - هوشمندسازی نظارت - حمایت از دانشگاه ها و شرکت های فناور - سرمایه گذاری در تحقیق و توسعه
			نوآوری و کارآفرینی	- وجود فرهنگ سازمانی حمایت کننده از نوآوری و انعطاف - وجود فضای امن برای اظهار نظر و انتقاد - حمایت از ایده های جدید در محیط کار - وجود انگیزه های معنوی و مادی برای نوآوری
۶	توانمند سازی	آموزش تخصصی قضا و کارکنان		- وجود دوره های آموزشی مرتبط با اقتصاد مقاومتی - ارتقاء مهارت های تحلیلی و تصمیم گیری - بهبود شاخص های انگیزشی و رضایت شغلی
			توسعه زیرساخت های نرم افزاری و سخت افزاری	- سامانه های یکپارچه اطلاعاتی - تجهیز دادگاه ها به فناوری های روز
۷	همکاری و مشارکت	تعامل با قوای مجریه و مقننه		- وجود ستادهای مشترک بین قوای سه گانه - تعامل مستمر و دوره ای بین مقامات - تقویت نقش قوه قضاییه در اصلاح قوانین
			مشارکت بخش خصوصی	- وجود مکانیزم های رسمی برای مشارکت بخش خصوصی - انعقاد تفاهم نامه های همکاری با بخش خصوصی - ایجاد شرایط مناسب برای سرمایه گذاری خصوصی

- مشارکت در طراحی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در بخش خصوصی - میزان مشارکت در کارگروه‌های مشترک اقتصاد مقاومتی - ایجاد تشکلهای نظارتی مردمی - تکیه بر ظرفیت‌های مردمی - وجود کانال‌های رسمی برای مشارکت عمومی - انجام نظرسنجی‌های عمومی قبل از تصمیم‌گیری - تحلیل محدودیت‌های ساختاری در قوه قضاییه - میزان مقاومت درون سازمانی نسبت به تغییرات - نقص در منابع انسانی و مالی لازم برای پیاده‌سازی - موازی‌کاری نهادها - ناکارآمدی فرآیندهای اداری	مردم محوری و مشارکت اجتماعی ساختاری و مدیریتی	۸ موانع
- شناسایی موانع حقوقی موجود در اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی - تعارض قوانین موجود با اقتصاد مقاومتی - مقاومت فرهنگی در برابر تغییر - مقاومت سنتی در پذیرش فناوری - توجه به تحولات بین‌المللی و تأثیر آن بر اقتصاد مقاومتی - تغییرات سیاست‌های تجاری جهانی - تحرکات حقوق بشری و فشارهای بین‌المللی - تأثیر جنگ‌ها و بحران‌های منطقه‌ای بر اقتصاد مقاومتی - تقویت تعامل با کشورهای همسو - متنوع‌سازی شرکای تجاری - افزایش صادرات هدفمند - مبارزه مشترک با جرایم سازمان‌یافته و پولشویی	حقوقی فرهنگی تحولات جهانی دیپلماسی قضایی	۹ برون‌گرا بودن هوشمندانه
- وجود واحد تحقیقات آینده در قوه قضایی - تحلیل ریسک‌های بلندمدت اقتصادی - تأثیر تحریم‌ها و تورم - استفاده حداکثری از ظرفیت‌های انسانی - استفاده حداکثری از منابع طبیعی - استفاده حداکثری از سرمایه‌های بومی - افزایش تولید داخلی - حمایت از صنایع ملی - جلوگیری از وابستگی به واردات - توسعه دانش فنی - کاهش نیاز به تکنولوژی‌های وارداتی	پیش‌بینی چالش‌های داخلی اتکا به منابع داخلی تولید داخلی بومی‌سازی فناوری	۱۰ درون‌زا بودن اقتصاد

همچنین مدل مفهومی پژوهش در شکل ۱ قابل مشاهده است.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش خروجی نرم افزار MAX QDA

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف طراحی و اعتبارسنجی مدل پیاده‌سازی خط‌مشی‌های سیاست اقتصاد مقاومتی در قوه قضاییه انجام شد. نتایج حاصل از تحلیل مضمون نشان داد که ده مضمون سازمان‌دهنده اصلی شامل حکمرانی، فرآیند طراحی و اجرا، پایداری، پویایی و انعطاف‌پذیری اقتصادی، اقتصاد دانش‌بنیان، توانمندسازی، همکاری و مشارکت، موانع، برون‌گرایی هوشمندانه و درون‌زایی اقتصادی به‌عنوان ارکان اصلی مدل معرفی شدند. این یافته‌ها به روشنی بیانگر آن است که تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در قوه قضاییه نیازمند یک الگوی چندبعدی و شبکه‌ای است که همزمان به مؤلفه‌های نهادی، مدیریتی، حقوقی، فرهنگی و فناورانه توجه داشته باشد.

در گام نخست، مضمون حکمرانی به‌عنوان یکی از ارکان اصلی مدل شناسایی شد. نتایج نشان داد که شفافیت، پاسخگویی، عدالت‌محوری و حاکمیت قانون می‌توانند زمینه‌ساز افزایش اعتماد عمومی و کاهش فساد سیستماتیک در قوه قضاییه شوند. یافته‌های پژوهش حاضر در این بخش با نتایج تحقیقات بین‌المللی همسو است؛ به‌عنوان مثال، کوشل و اسکوگان تأکید دارند که شفافیت و پاسخگویی می‌تواند مشروعیت و اعتماد عمومی به نهادهای قضایی را ارتقا بخشد (Kochel & Skogan, 2021). همچنین روباسوندرام و راسیاه شفافیت و مبارزه با فساد را پیش‌شرط حکمرانی مطلوب می‌دانند که با یافته‌های این پژوهش در ارتباط مستقیم قرار دارد (Rubasundram & Rasiyah, 2019). بنابراین، تقویت مؤلفه‌های حکمرانی نه تنها اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را تسهیل می‌کند بلکه ظرفیت قوه قضاییه برای مقابله با چالش‌های اقتصادی و اجتماعی را ارتقا می‌دهد.

دومین مضمون اصلی، فرآیند طراحی و اجرا بود. یافته‌ها نشان داد که موفقیت در پیاده‌سازی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی منوط به وجود چرخه‌ای کامل شامل هدف‌گذاری، برنامه‌ریزی، بازنگری و نظارت مؤثر است. این یافته با نظریه‌های مرتبط با برنامه‌ریزی استراتژیک مطابقت دارد. برای نمونه، بوخوالد بیان می‌کند که تعیین اهداف روشن و قابل اندازه‌گیری اساس هرگونه برنامه‌ریزی استراتژیک به‌شمار می‌رود (Buchwald, 2025). همچنین کاتر تأکید دارد که هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی دقیق، مسیر رسیدن به نتایج ملموس را هموار می‌کند.

(Kotter, 2024). بر این اساس، یافته‌های این پژوهش ضرورت طراحی چارچوبی نظام‌مند برای قوه قضاییه را برجسته می‌سازد تا بتواند در شرایط پرنوسان اقتصادی، سیاست‌های مقاومتی را به‌طور مؤثر اجرا کند.

بعد سوم، پایداری بود که در سه بُعد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی تحلیل شد. نتایج نشان داد که توجه به هر سه بعد می‌تواند استمرار و کارایی خط‌مشی‌های اقتصاد مقاومتی را تضمین کند. یافته‌ها در این زمینه با مطالعات داورز و همکاران همخوان است که تأکید کرده‌اند پایداری نیازمند رویکردی جامع در سیاست‌گذاری است که ابعاد محیطی، اجتماعی و اقتصادی را توأمان در برگیرد (Dovers et al., 2024). همچنین، تحقیق لی و همکاران در چین نشان داد که سیاست‌های توسعه پایدار توانسته‌اند مسیر تحول صنایع محلی را تسهیل کنند (Li et al., 2021). این نتایج با یافته‌های حاضر همسو است و نشان می‌دهد قوه قضاییه نیز با اتخاذ رویکردی جامع می‌تواند نقش مهمی در پیشبرد توسعه پایدار در کشور ایفا کند.

یافته‌های دیگر به اهمیت پویایی و انعطاف‌پذیری اقتصادی اشاره داشت. در شرایط تحریم و تغییرات سریع اقتصادی، قوه قضاییه باید قادر باشد به‌صورت چابک واکنش نشان دهد. الوی و چو بر نقش مدیریت چابک در ایجاد سازمان‌های تاب‌آور در برابر تغییرات تأکید کرده‌اند (Lv & Cho, 2024). همچنین سیلوا و همکاران در پژوهش خود نشان دادند که مدیریت چابک در بخش دولتی می‌تواند پاسخگویی و سرعت واکنش را افزایش دهد (Silva et al., 2025). این نتایج هم‌راستا با یافته‌های پژوهش حاضر است و نشان می‌دهد که قوه قضاییه برای ایفای نقش مؤثر در اقتصاد مقاومتی نیازمند ساختارهای چابک و انعطاف‌پذیر است.

اقتصاد دانش‌بنیان به‌عنوان مضمون دیگر، بر اهمیت نوآوری، فناوری و کارآفرینی تأکید داشت. نتایج نشان داد که دیجیتالی‌سازی فرآیندهای قضایی و حمایت از نوآوری می‌تواند بهره‌وری و عدالت را در قوه قضاییه افزایش دهد. این یافته با مطالعات کوارانتا که به نقش دیجیتالی‌سازی در تحول نظام قضایی اشاره کرده بود، هم‌خوانی دارد (Quaranta, 2023). همچنین سانچز رامیرز و همکاران نشان دادند که دیجیتالی‌سازی از مسیر ارتقای ظرفیت‌های نوآوری می‌تواند زمینه‌ساز تحول سازمانی شود (Sánchez Ramírez et al., 2022). بنابراین، قوه قضاییه باید با حمایت از نوآوری‌های فناورانه و ایجاد دادگاه‌های تخصصی فناوری، خود را با الزامات اقتصاد دانش‌بنیان همگام سازد.

توانمندسازی منابع انسانی و زیرساخت‌ها نیز از یافته‌های کلیدی این پژوهش بود. آموزش قضات و کارکنان در زمینه موضوعات نوین اقتصادی و تجهیز قوه قضاییه به سامانه‌های هوشمند، از الزامات تحقق اقتصاد مقاومتی است. پژوهش اوسوه و گیندیچا نشان داد که آموزش و توسعه کارکنان موجب افزایش رضایت شغلی و کارایی در دستگاه قضایی می‌شود (Osewe & Gindicha, 2021). همچنین، تو پژوهشی درباره توانمندسازی قضایی تأکید می‌کند که ایجاد ظرفیت‌های تخصصی می‌تواند استقلال و کارآمدی نظام قضایی را ارتقا دهد (Tew, 2024). یافته‌های حاضر نیز این موضوع را تأیید می‌کند و نشان می‌دهد توانمندسازی به‌عنوان رکن اصلی توسعه پایدار در قوه قضاییه محسوب می‌شود.

همکاری و مشارکت نیز به‌عنوان یکی دیگر از مضامین کلیدی مطرح شد. یافته‌ها نشان داد که بدون تعامل مؤثر با قوای مجریه و مقننه، بخش خصوصی و مردم، قوه قضاییه نمی‌تواند سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را به‌طور کامل اجرا کند. این نتیجه با مطالعات مو درباره نقش دموکراسی مشارکتی در تقویت حاکمیت قانون (Mo, 2022) و همچنین پژوهش مورگادو و همکاران درباره محوریت مردم در حکمرانی (Morgado et al., 2018) هم‌راستا است. بنابراین، قوه قضاییه باید از طریق سازوکارهای مشارکتی، زمینه را برای همکاری‌های نهادی و اجتماعی گسترده‌تر فراهم کند.

شناسایی موانع نیز یکی از یافته‌های این پژوهش بود. موانع ساختاری، مدیریتی، حقوقی و فرهنگی، هرکدام می‌توانند مانع اجرای مؤثر سیاست‌های اقتصاد مقاومتی شوند. نتایج به‌دست آمده در این بخش با مطالعه نجوجی درباره تأثیر فرهنگ سازمانی بر عملکرد دستگاه قضایی (Njugi, 2019) و پژوهش شولزکه و کارول درباره نقش فرهنگ در عملکرد دادگاه‌ها (Schulzke & Caroll, 2018) همسو است. این نتایج نشان می‌دهد که بدون اصلاح ساختارها، قوانین و نگرش‌های فرهنگی، اجرای سیاست‌های مقاومتی در قوه قضاییه با چالش‌های جدی روبه‌رو خواهد شد.

برون‌گرایی هوشمندانه و دیپلماسی قضایی از دیگر مضامین شناسایی شده بودند. یافته‌ها نشان داد که قوه قضاییه باید با تحولات جهانی همگام شده و از ابزارهای دیپلماسی قضایی برای پیشبرد اهداف ملی استفاده کند. این یافته‌ها با نتایج پژوهش الوکابی درباره تأثیر قوانین سایبری بر نظام قضایی (Elokaby, 2024) و همچنین مطالعه اسکواتریتو درباره دیپلماسی قضایی (Squatrito, 2021) همخوانی دارد. بنابراین، تعاملات بین‌المللی می‌تواند ابزاری مؤثر برای ارتقای جایگاه قوه قضاییه در نظام حکمرانی جهانی و تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی باشد. در نهایت، درون‌زایی اقتصادی به‌عنوان آخرین مضمون سازمان‌دهنده شناسایی شد. یافته‌ها نشان داد که اتکا به منابع داخلی، بومی‌سازی فناوری و پیش‌بینی چالش‌های داخلی می‌تواند به خودکفایی و استقلال پایدار کمک کند. این یافته با پژوهش رادانیپورالا و همکاران درباره تأثیر عوامل بیرونی بر نظام قضایی (Radhanpurwala et al., 2023) و همچنین مطالعه روستوفشیکوف و همکاران درباره فرصت‌های ناشی از جامعه اطلاعاتی (Rostovschikov et al., 2019) مطابقت دارد. بر این اساس، توسعه ظرفیت‌های بومی و کاهش وابستگی به منابع خارجی می‌تواند راهبردی کلیدی برای قوه قضاییه در مسیر تحقق اقتصاد مقاومتی باشد.

نتیجه‌گیری کلی از یافته‌ها بیانگر آن است که مدل پیشنهادی با دربرگیری ابعاد حکمرانی، طراحی و اجرا، پایداری، پویایی، اقتصاد دانش‌بنیان، توانمندسازی، همکاری، موانع، برون‌گرایی هوشمندانه و درون‌زایی، الگویی جامع و بومی برای اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در قوه قضاییه ارائه می‌دهد. همسویی این نتایج با مطالعات پیشین در سطح ملی و بین‌المللی نشان‌دهنده اعتبار نظری و عملی یافته‌ها است و می‌تواند مبنای تصمیم‌سازی‌های کلان در نظام حکمرانی کشور قرار گیرد.

یکی از محدودیت‌های اصلی پژوهش حاضر، استفاده از رویکرد کیفی و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته بود که با وجود عمق‌بخشی به داده‌ها، قابلیت تعمیم نتایج به سایر نهادها و بافت‌های سازمانی را کاهش می‌دهد. همچنین، محدودیت زمانی و مکانی در انتخاب نمونه‌ها سبب شد که تنها به قوه قضاییه در استان تهران پرداخته شود و این امر ممکن است دیدگاه‌های سایر مناطق کشور را به‌طور کامل منعکس نکند. علاوه بر این، حساسیت موضوع اقتصاد مقاومتی و نقش قوه قضاییه موجب شد برخی مشارکت‌کنندگان در ارائه دیدگاه‌های خود احتیاط بیشتری داشته باشند که این امر می‌تواند بر شفافیت داده‌ها تأثیر گذاشته باشد.

برای پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود که ترکیبی از روش‌های کیفی و کمی مورد استفاده قرار گیرد تا علاوه بر عمق‌بخشی به تحلیل‌ها، امکان تعمیم نتایج نیز فراهم شود. همچنین، بررسی تطبیقی مدل پیشنهادی با مدل‌های مشابه در سایر کشورها می‌تواند چشم‌انداز گسترده‌تری برای سیاست‌گذاران فراهم کند. پژوهش‌های آینده می‌توانند به ارزیابی میزان اثربخشی مدل طراحی‌شده در عمل بپردازند و شاخص‌های کمی برای سنجش موفقیت اجرای خط‌مشی‌های اقتصاد مقاومتی در قوه قضاییه تدوین کنند.

در سطح عملی، توصیه می‌شود که قوه قضاییه دوره‌های آموزشی تخصصی برای قضات و کارکنان در حوزه‌های مرتبط با اقتصاد مقاومتی برگزار کند. همچنین، توسعه زیرساخت‌های فناورانه مانند سامانه‌های مدیریت هوشمند پرونده‌ها باید در اولویت قرار گیرد. ایجاد سازوکارهای

رسمی برای تعامل با بخش خصوصی و مردم، بازنگری در قوانین ناکارآمد و تقویت دیپلماسی قضایی نیز از جمله اقداماتی است که می‌تواند کارایی مدل پیشنهادی را در عمل افزایش دهد. در نهایت، توجه به ابعاد پایداری و نوآوری، قوه قضاییه را به نهادی پیشرو و کارآمد در مسیر تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی تبدیل خواهد کرد.

تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که در انجام این پژوهش ما را همراهی کردند تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

موازین اخلاقی

در تمامی مراحل پژوهش حاضر اصول اخلاقی مرتبط با نشر و انجام پژوهش رعایت گردیده است.

Extended Abstract

Introduction

The resistance economy has emerged as a strategic framework designed to safeguard national economies against external pressures, sanctions, and systemic vulnerabilities by fostering resilience, self-reliance, and adaptive governance. Unlike austerity-based economic strategies that rely predominantly on reducing public expenditure, the resistance economy emphasizes enhancing domestic capabilities, empowering national industries, and converting threats into opportunities for sustainable growth (Ehsan, 2022). Rooted in Islamic governance principles and the pursuit of justice, the concept also aligns with broader frameworks of good governance and sustainable development, making it a multifaceted strategy for advancing national independence and stability (Jarfi & Mousavi Amjad, 2020).

The judiciary, as one of the three fundamental pillars of governance, is uniquely positioned to advance the objectives of the resistance economy. Its role extends beyond adjudicating legal disputes and encompasses active oversight of economic policies, ensuring justice in the distribution of economic benefits, combating corruption, and protecting public rights. Indeed, judicial institutions provide the structural and legal backbone for operationalizing resistance economy policies in a transparent, fair, and accountable manner (Rizaneh & Fazeli, 2018). Without the judiciary's effective participation, policies aimed at strengthening economic resilience would lack enforceability and credibility.

Good governance forms the foundation of successful resistance economy implementation. Transparency and accountability mechanisms serve to foster public trust, while rule of law ensures equitable enforcement of regulations, and justice orientation guarantees the fair allocation of resources (Kochel & Skogan, 2021). Prior studies highlight that corruption undermines resilience and institutional legitimacy, and thus eradicating systemic corruption is essential to achieving governance effectiveness (Rubasundram & Rasiah, 2019). For the judiciary, embedding these principles into its operations is fundamental to creating a robust and credible environment for economic actors.

The implementation process of resistance economy policies also requires structured and iterative approaches. Goal setting, systematic planning, regular policy reviews, and effective monitoring are

essential components of such an approach (Buchwald, 2025; Kotter, 2024). Without these mechanisms, judicial systems risk falling behind in addressing rapid economic changes driven by sanctions, global markets, and internal inefficiencies. Empirical research demonstrates that policy frameworks incorporating periodic reviews and evidence-based adjustments maintain greater relevance and sustainability over time (Zandi Khavari et al., 2025).

Sustainability is another pillar of the resistance economy. It encompasses economic efficiency, social equity, and environmental responsibility, each of which intersects with judicial functions. Courts and judicial oversight mechanisms can reduce transaction costs, facilitate fair competition, and promote long-term stability by supporting environmental regulations and promoting social justice (Dovers et al., 2024; Li et al., 2021). Embedding sustainability within the judiciary's mission aligns with global practices in sustainable development and reflects the judiciary's evolving role in modern governance. Flexibility and adaptability also emerged as critical requirements in the implementation of resistance economy policies. Agile institutional structures enable judicial systems to react effectively to volatile economic conditions. Research indicates that adaptive governance and flexible organizational structures can significantly enhance institutional resilience in the face of uncertainty (Lv & Cho, 2024; Silva et al., 2025). For the judiciary, this means adopting agile decision-making processes, reducing bureaucratic inertia, and creating specialized units capable of addressing emergent economic challenges swiftly.

Knowledge-based economic transformation further amplifies the judiciary's role in the resistance economy. Integrating digital technologies, fostering innovation in judicial processes, and supporting entrepreneurship-oriented adjudication create an enabling environment for knowledge-driven development (Quaranta, 2023; Sánchez Ramírez et al., 2022). Judicial institutions, by supporting intellectual property protection and establishing specialized courts for technology disputes, play a decisive role in safeguarding innovation ecosystems.

Equally vital is the empowerment of judicial staff and infrastructure. Continuous training, exposure to global best practices, and investment in digital infrastructures such as smart case management systems and AI-assisted decision-making tools strengthen the judiciary's ability to deliver efficient services (Osewe & Gindicha, 2021; Tew, 2024). Such reforms elevate institutional capacity and ensure alignment between judicial functions and resistance economy goals.

Another central dimension involves institutional cooperation and social participation. The judiciary cannot operate in isolation but must instead coordinate with executive and legislative branches, private sector actors, and civil society organizations. This participatory governance structure not only enhances legitimacy but also leverages collective resources for more comprehensive policy outcomes (Mo, 2022; Morgado et al., 2018). Networked governance thus becomes essential for embedding resistance economy principles across institutional and societal levels.

However, barriers remain a persistent challenge. Structural inefficiencies, outdated legal frameworks, and cultural resistance to change inhibit the effective implementation of resistance economy policies within the judiciary. Studies confirm that organizational culture can either catalyze or constrain reform processes (Njugi, 2019; Schulzke & Carroll, 2018). Overcoming these obstacles requires both structural reforms and cultural transformation.

Finally, intelligent extroversion and economic endogeneity constitute two complementary dimensions. On the one hand, the judiciary must engage with global developments and strengthen judicial diplomacy to ensure international cooperation, knowledge transfer, and alignment with emerging global norms (Elokaby, 2024; Squatrito, 2021). On the other hand, focusing on domestic resources, localized innovation, and endogenous capacity building is critical for long-term

independence and resilience (Radhanpurwala et al., 2023; Rostovschikov et al., 2019). Together, these strategies balance international engagement with national self-reliance.

Against this backdrop, the present study addresses the research gap identified in earlier works, where prior analyses primarily focused on policy-making in sectors such as sports or water resources without tailoring models to the judiciary (Eslami et al., 2025; Zandi Khavari et al., 2025). The central research question therefore asks: *How can a theoretical model be designed for the implementation of resistance economy policies in the judiciary?*

Methods and Materials

This study employed a qualitative research design aimed at developing a theoretical model for implementing resistance economy policies in the judiciary. Semi-structured interviews were conducted with 14 experts, including professors, senior judges, and policymakers familiar with resistance economy frameworks. A purposive sampling method was used to ensure participants possessed relevant expertise and professional experience.

Thematic analysis served as the primary analytical approach. Data were coded, categorized, and synthesized iteratively using MAXQDA 2020 software. Reliability was ensured through a test–retest procedure of coding with an agreement rate exceeding 90%, while validity was confirmed through expert reviews of the research design and interview protocol. Data saturation was reached after 14 interviews, ensuring comprehensive coverage of themes.

Findings

Thematic analysis revealed ten core organizing themes forming the proposed model:

1. **Good Governance:** Encompassing transparency, accountability, rule of law, and justice orientation.
2. **Design and Implementation Process:** Including goal setting, planning, regular reviews, and monitoring mechanisms.
3. **Sustainability:** Addressing economic efficiency, social equity, and environmental responsibility.
4. **Economic Flexibility and Adaptability:** Promoting agile organizational structures and diversification.
5. **Knowledge-Based Economy:** Leveraging digitalization, innovation, and entrepreneurship support.
6. **Empowerment:** Enhancing judicial capacity through specialized training and advanced infrastructure.
7. **Cooperation and Participation:** Engaging executive and legislative branches, private sector, and civil society.
8. **Barriers:** Identifying structural, legal, and cultural challenges to implementation.
9. **Intelligent Extroversion:** Responding to global developments through judicial diplomacy.
10. **Economic Endogeneity:** Strengthening reliance on domestic resources, local production, and technology localization.

These ten themes collectively represent the comprehensive framework required for the judiciary to contribute effectively to the resistance economy.

Discussion and Conclusion

The findings highlight that effective implementation of resistance economy policies within the judiciary requires a multidimensional and integrated model. Good governance emerged as the cornerstone, aligning with international research that emphasizes transparency, accountability, and justice as drivers of institutional legitimacy and public trust. The structured process of design and

implementation ensures adaptability and accountability, preventing policy stagnation. Sustainability considerations broaden the judiciary's role beyond legal adjudication to promoting long-term economic and social stability.

Flexibility and adaptability enable responsiveness in volatile economic environments, while knowledge-based approaches align judicial reforms with broader technological and innovation-driven transformations. Empowerment of human resources and infrastructure guarantees that the judiciary remains equipped to enforce policies efficiently. Cooperation across institutions and societal actors ensures shared ownership of resistance economy objectives, while identifying and addressing barriers creates pathways for systemic reform. Intelligent extroversion and economic endogeneity balance international engagement with national independence, offering a dual strategy for long-term resilience.

In conclusion, the proposed model demonstrates how the judiciary can evolve into a transparent, accountable, innovative, and cooperative institution, directly contributing to the realization of resistance economy objectives. By integrating governance principles, sustainable practices, technological innovation, and participatory mechanisms, the judiciary not only enhances its own effectiveness but also strengthens the overall capacity of the state to withstand external shocks and advance independent development.

References

- Buchwald, E. M. (2025). Goal setting as the core of strategic planning. *Bulletin of the Institute of Economics of the Russian Academy of Sciences*(1), 7-23. https://doi.org/10.52180/2073-6487_2025_1_7_23
- Dovers, S., Hussey, K., & Clement, S. (2024). *Environment and sustainability: a policy handbook*. The Federation Press. <https://researchportalplus.anu.edu.au/en/publications/environment-and-sustainability-a-policy-handbook-3rd-edition>
- Ehsan, R. (2022). The Iranian model of the resistance economy: lessons and recommendations for Russia. *Вестник Забайкальского государственного университета*, 28(8), 132-142. <https://doi.org/10.21209/2227-9245-2022-28-8-132-142>
- Elokaby, M. A. (2024). Development of cybersecurity laws in Egypt and its impact on the judicial system (Opportunities and challenges). *International Cybersecurity Law Review*, 5(4), 563-584. <https://doi.org/10.1365/s43439-024-00132-2>
- Eslami, A., Karimi, Y. D., & Irani, F. N. (2025). Presenting a Model of Good Governance with a Resistance Economy Approach (Case Study: National Water Organization). *Personal Development and Organizational Transformation*, 1-15. <https://doi.org/10.61838/kman.jpdot.84>
- Jarfi, A., & Mousavi Amjad, S. H. (2020). The Place of Resistance Economy in Islamic Good Governance from the Perspective of Ayatollah Khamenei. *Quarterly Journal of Islamic Revolution Research*, 14(51), 45-66. https://www.rahyaftjournal.ir/article_118303.html?lang=en
- Kishvarian Azad, R. E. K. A. H. P. M. S. M. (2022). Designing a Model for the Implementation of Judicial Policies in the Country's Judicial Institution. *Public Administration*, 14(1), 129-164. https://jjpa.ut.ac.ir/article_87750.html
- Kochel, T. R., & Skogan, W. G. (2021). Accountability and transparency as levers to promote public trust and police legitimacy: Findings from a natural experiment. *Policing: An International Journal*, 44(6), 1046-1059. <https://doi.org/10.1108/PIJPSM-04-2021-0062>
- Kotter, E. (2024). Planning and Goal Setting. In *AI Implementation in Radiology: Challenges and Opportunities in Clinical Practice* (pp. 33-50). https://doi.org/10.1007/978-3-031-68942-0_3
- Li, Q., Zeng, F. e., Liu, S., Yang, M., & Xu, F. (2021). The effects of China's sustainable development policy for resource-based cities on local industrial transformation. *Resources Policy*, 71, 101940. <https://doi.org/10.1016/j.resourpol.2020.101940>
- Lv, D. D., & Cho, E. (2024). Carbon-zero agility: Enabling carbon-zero organizations through agile management and ambiguous feedback algorithms. *Environmental Modelling & Software*, 177, 106062. <https://doi.org/10.1016/j.envsoft.2024.106062>
- Mo, J. (2022). Promoting Whole-Process People's Democracy following the Rule of Law. *Frontiers L. China*, 17, 567. <https://journal.hep.com.cn/flc/EN/10.3868/s050-011-022-0047-6>
- Morgado, M., Lopes, C., Morgado, S., Freire, I., & Fonseca, O. (2018). People Centeredness.

- Njugi, G. K. (2019). *Organization culture and performance of the judiciary in nyeri county, kenya* repository of kenyatta university]. Nairobi. <https://ir-library.ku.ac.ke/server/api/core/bitstreams/4825a8e2-1804-4a1a-bf73-0e35ff29bbee/content>
- Osewe, J. O., & Gindicha, J. Y. (2021). Effect of training and development on employee satisfaction: a case of the judiciary of Kenya: a case of the judiciary of Kenya. *European Journal of Humanities and Social Sciences*, 1(3), 661-667. <https://doi.org/10.24018/ejsocial.2021.1.3.50>
- Quaranta, F. R. (2023). Innovation and Digitization of the Justice System.
- Radhanpurwala, S., Trivedi, N., & Pandya, J. (2023). Influence of External Factors upon the Judiciary. *Issue 2 Indian JL & Legal Rsch.*, 5(1), 1. <https://heinonline.org/HOL/LandingPage?handle=hein.journals/injlolw11&div=374&id=&page=>
- Rizaneh, J., & Fazeli, M. J. (2018). The Strategic Role of the Judiciary in the Resistance Economy. *Entrepreneurship Index Journal*, 3(7), 86-99. <https://www.magiran.com/paper/2374136/>
- Rostovschikov, I. V., Aleshkova, I. A., & Molokaeva, O. K. (2019). Judiciary Power and Information Society: New Approaches and Opportunities. In *Ubiquitous Computing and the Internet of Things: Prerequisites for the Development of ICT* (pp. 185-193). https://doi.org/10.1007/978-3-030-13397-9_22
- Rubasundram, G. A., & Rasiah, R. (2019). Corruption and good governance. *Journal of Southeast Asian Economies*, 36(1), 57-70. <https://doi.org/10.1355/ae36-1f>
- Sánchez Ramírez, S., Guadamillas Gómez, F., González Ramos, M. I., & Grieva, O. (2022). The effect of digitalization on innovation capabilities through the lenses of the knowledge management strategy. *Administrative Sciences*, 12(4), 144. <https://doi.org/10.3390/admsci12040144>
- Schulzke, M., & Carroll, A. C. (2018). Culture and the court: The judiciary as an arbiter of cultural disputes in the USA. In *Cultural Studies and the 'Juridical Turn'* (pp. 363-388). Routledge. <https://www.tandfonline.com/doi/citedby/10.1080/09502386.2014.886481?scroll=top&needAccess=true>
- Silva, J., Silva, A., Araújo, A., & Silva, A. (2025). *Agile Project Management in Government Software Development: Addressing Challenges in Education Public Policy* <https://doi.org/10.5220/0013434800003929>
- Squatrino, T. (2021). Judicial diplomacy: International courts and legitimation. *Review of International Studies*, 47(1), 64-84. <https://doi.org/10.1017/S0260210520000352>
- Tew, Y. (2024). Strategic judicial empowerment. *The American Journal of Comparative Law*, 72(1), 170-234. <https://doi.org/10.1093/ajcl/avad040>
- Zandi Khavari, R., Soltan Hosseini, M., Mostahfaziyan, M., & Khorosh, M. (2025). Developing a Model of Public Policy Indicators in Sports of the Islamic Republic of Iran. *Strategic Studies in Sports and Youth*. https://faslname.msy.gov.ir/article_1030.html